

بررسی و تحلیل اسناد عریضه نویسی با تأکید بر آسیب‌های آن

محمد شهبازیان *

محمد امین بالادستیان **

روح الله شاکری زواردهی ***

چکیده

«عریضه نویسی» امری است که شیعیان آن را نوعی توسل دانسته که بدان وسیله حاجت خود را از خدای متعال، به واسطه امام معصوم علیه السلام، درخواست می‌کرده‌اند. این روش، در سال‌های اخیر و به دلیل توجه رسانه‌های غربی به چاه جمکران، مورد دقت قرار گرفته و در اثبات یا رد آن سخنانی مطرح شده است. این مقاله که به روش پژوهشی توصیفی-تحلیلی است، تلاش می‌کند به این سوال پاسخ دهد که مستندات عریضه نویسی و آسیب‌های آن چیست. نتیجه از یک سو حاکی از بدعت نبودن اصل عریضه نویسی است و از سویی گویای عدم تقدس و موضوعیت نداشتن چاه جمکران و آسیب‌زا بودن توجه به این چاه می‌باشد. لزوم دقت مجدد در ادله اثبات عریضه نویسی، به دست آوردن مستندات تازه یافت و ارائه مستندات جدید از رسانه‌های غربی در این موضوع؛ از جمله دلایل نگارش این مقاله است. واژگان کلیدی: عریضه نویسی، چاه جمکران، رقعہ، آسیب شناسی، شیعه.

tarid@chmail.ir

* دانش آموخته سطح ۳ مرکز تخصصی مهدویت

mabaladastian@gmail.com

** دانش آموخته سطح ۳ مرکز تخصصی مهدویت

shaker.r@ut.ac.ir

*** استادیار گروه شیعه‌شناسی دانشگاه تهران - پردیس فارابی

مقدمه

در روایت هایی که به عریضه نویسی پرداخته و در ادامه بحث به آن‌ها اشاره خواهیم کرد، عبارت "رقعة" مرسوم بوده، و گویا "عریضه" عنوان عرفی این عمل است. از این رو، در کتاب‌های دعا و حدیث عناوینی این‌گونه برگزیده‌اند: «کتابة الرقاع للحوایج إلی الأئمة صلوات الله علیهم؛ نوشتن نامه‌ها برای اهل بیت علیهم‌السلام جهت بر آورده شدن حاجت‌ها» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۹: ۲۳۱) البته هر دو واژه عریضه و رقعه مترادف یکدیگر هستند.

رقعه، نامه‌ای است که در آن مطالب نوشته شده گرد آمده است (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۴: ۳۳۹؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۸: ۱۳۱). عریضه نیز، وسیله‌ای برای ارائه و آشکار کردن خواسته‌ها می‌باشد (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۷: ۱۶۹؛ مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۸: ۹۲).

عریضه نویسی، مختص اسلام نبوده و در برخی از ادیان سابق، مانند یهودیت نیز به کار رفته است و اکنون نیز در کنار دیوار ندبه این عمل صورت می‌پذیرد (خان محمدی و انواری، ۱۳۹۱: ۱۵۷). در مباحث روان‌شناسی و تحقیقات پروفیسور جیمز پنی‌بیکر، استاد کرسی روان‌شناسی دانشگاه تگزاس (www.ravangah.com/2010_12_01_archive.html) و پروفیسور سیان بیلوک، استاد دانشگاه شیکاگو (www.salamatnews.com/news/23722)، نامه نگاری و نوشتن مشکلات بر روی یک کاغذ و حتی یادداشت خاطرات روزانه، یکی از راه‌های درمان بیماران روانی، کاهش استرس و آرام روحی عنوان شده است.

این عمل و بیان مشکلات مالی، روحی و جسمی توسط نامه به امام معصوم علیه‌السلام و درخواست دعا و دستور العملی برای گشایش، در دوران ائمه معصومین علیهم‌السلام نیز مرسوم بوده و محدثین در مورد آن گزارش کرده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۵۱۹؛ نجاشی، ۱۴۱۸: ۲۶۱؛ اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۱۶۳).

در این نوشتار نیز مراد از عریضه نویسی، نوشتن نامه‌ای به خدای متعال و اهل بیت علیهم‌السلام است که در آن مشکلات فرد بیان شده و به وساطت معصوم علیه‌السلام در استجابت درخواست خود از خدای متعال امید دارد. نسبت به ائمه طاهرین علیهم‌السلام نیز مراد ما، دوران عدم حضور و غیبت کبرا می‌باشد.

پیشینه تحقیق

در خصوص عریضه نویسی، مطالبی نگارش گردیده که به عنوان نمونه می‌توان به کتاب "عریضه نویسی به اهل بیت علیهم‌السلام و امام زمان علیه‌السلام" تألیف سید صادق سید نژاد، مقاله "چاه عریضه جمکران از خرافه تا واقعیت"، تألیف آقایان: کریم خان محمدی و محمد رضا انواری، انتشار یافته در فصلنامه علمی پژوهشی شیعه شناسی، سال دهم، ش ۳۷، بهار ۱۳۹۱، و "عریضه نویسی"، محمد رضا فوادیان، انتشار یافته در سایت (www.intizar.ir/vdcfa.dttww6dtiig.html)، اشاره کرد. این مجموعه از نوشته‌ها، در اثبات اصل عریضه نویسی و اعتبار آن تلاش کرده‌اند و آن را روشی برای توسل به ائمه معصومین علیهم‌السلام می‌دانند. در مقاله کریم خان محمدی و... افزون بر مطلب مذکور، به عدم اشکال در انداختن عریضه در چاه جمکران اشاره شده است. خلاصه موجود در این مقالات، عدم بررسی ادله اثباتی برای عریضه نویسی است و تنها به وصف و نقل روایات و گزارش‌های تاریخی پرداخته‌اند.

۱. بررسی اعتبار و عدم اعتبار عریضه نویسی

عریضه نویسی را از حیث زمان، می‌توان به سه دوره تقسیم کرد:

الف) دوران حیات و ظاهر بودن معصوم علیه‌السلام؛

ب) دوران غیبت صغرا؛

ج) دوران غیبت کبرا.

در مورد گزینه‌های (الف و ب)، در ارسال نامه به ائمه معصومین علیهم‌السلام و بیان سوالات و مشکلات تردیدی وجود ندارد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۵۱۹؛ ج ۳: ۳۲۸؛ نجاشی ۱۴۱۸: ۲۶۱؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۳۰۸؛ صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲: ۴۸۲). لذا سخن در مورد دوران غیبت کبرا می‌باشد، مبنی بر این‌که آیا بدون امکان دسترسی به معصوم علیه‌السلام و یا نواب خاص، می‌توان از روش نامه نگاری برای بیان حاجت بهره برد؟

۱.۱ گونه شناسی دلایل اثبات عریضه نویسی

در اثبات عریضه نویسی مذکور به سه دسته از ادله اشاره شده است:

۱. روایات؛

۲. گزارش های تاریخی؛

۳. دستورالعمل، کتاب های دعا.

۱.۱.۱. دستور معصوم علیه السلام

الف) کتاب العتیق الغروی^۱، نُسخة رُفعة تُکتبُ إلی اللّٰه سُبْحَانَهُ عِنْدَ الْمَهْمَاتِ رُوِيَ عَنْ أَبِي جَعْفَرِ الْأَوَّلِ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ:

إِذَا دَهَمَكَ أَمْرٌ يُهْمُكَ أَوْ عَرَضَ لَكَ حَاجَةٌ يَعْلَمُ اللّٰهُ سُبْحَانَهُ حَقِيقَتَهَا وَصَدَقَ الْقَوْلُ فِيهَا فَهَوِ عَالِمٌ بِالْغُيُوبِ وَخَفِيَّاتِ الْأُمُورِ فَكُنْ طَاهِرًا وَصُمْ يَوْمَ الْخَمِيسِ أَصْبِحْ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَارْتَبِ فِي رُفْعَةٍ مَا أَنَا ذَاكِرُهُ لَكَ بِمِدَادٍ أَوْ بِحَبِيرٍ وَأَطْوِ الْوَرْقَةَ وَاعْمِدْ إِلَى وَسْطِ الْبَحْرِ فَاسْتَقْبِلِ الْقِبْلَةَ وَسَمِّ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ جَلَالَهُ وَصَلِّ عَلَى رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْأَبْرَارِ وَقُلْ اللّٰهُ لِكُلِّ شَيْءٍ وَارْمِ بِهَا فِي الْبَحْرِ فَإِنَّ اللّٰهَ جَلَّتْ عَظَمَتُهُ يَقْضِي حَاجَتَكَ وَيَكْفِيكَ بِقُدْرَتِهِ تَكْتُبُ؛ الخ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۹: ۲۴۵)؛ در کتاب عتیق غروی، نسخه ای از یک نامه که در زمان مشکلات خطاب به خدای متعال نوشته شده، از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: هنگامی که امر مشکل و حاجتی برایت وجود آمد که خدای متعال از حقیقت حال تو مطلع بود؛ چرا که او به غیب عالم است؛ خود را طاهر کن و روز پنجشنبه روزه بگیر، و در صبح جمعه با مداد دعایی را که به تو آموزش می دهیم بنویس. سپس نامه را تا بزن و در وسط آب برو، روبه روی قبله بایست؛ نام خدا را ببر و درود بر محمد و آل او فرست و نامه را در آب انداز که خدای متعال حاجتت را بر آورده خواهد ساخت و تو را به واسطه قدرت الاهی کفایت حاصل می شود.

ب) وَ رُوِيَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ:

لِمَوْلَاهُ نَافِذٌ إِذَا كَتَبْتَ رُفْعَةً أَوْ كِتَابًا فِي حَاجَةٍ فَأَرَدْتَ أَنْ تَنْجَحَ حَاجَتَكَ الَّتِي تُرِيدُ



۱. علامه مجلسی در مورد این کتاب چنین می گوید: «و کتاب العتیق الذی وجدناه فی الغروی صلوات الله علی مشرفه تألیف بعض قدماء المحدثین فی الدعوات و سمیناه بالکتاب الغروی».

فَاكْتُبُ رَأْسَ الرُّقْعَةِ بِقَلَمٍ غَيْرِ مَدِيدٍ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ اِنَّ اللّٰهَ وَعَدَ الصّٰبِرِیْنَ الْمَخْرَجَ مِمَّا یَكْرَهُونَ وَ الرُّزْقَ مِنْ حَیْثُ لَّا یَحْتَسِبُونَ جَعَلْنَا اللّٰهَ وَ اِیَّاكُمْ مِنَ الَّذِیْنَ لَّا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَ لَّا هُمْ یَحْزَنُونَ قَالَ نَافِذٌ فَكُنْتُ اَفْعَلُ ذٰلِكَ فَتَنْجِحُ حَوَائِجِی (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۱۶۳؛ حر عاملی، بی تا، ج ۱: ۱۵۵)؛ امام صادق علیه السلام به خادم خود، نافذ فرمودند: هرگاه خواستی مکتوبی جهت نجات خود از مشکلات بنویسی؛ ابتدا بالای نامه با قلم بدون مرکب این عبارت [متن مذکور] را بنویس. نافذ می‌گوید: در زمان مشکلات، این عمل را انجام می‌دادم و مشکل حل می‌گردید.

ج) فَمِنْهَا مَا رَوَى عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام:

اِنَّهُ مَنْ قَلَّ عَلَيْهِ رِزْقُهُ اَوْ ضَاقَتْ عَلَيْهِ مَعِیْشَتُهُ اَوْ كَانَتْ لَهُ حَاجَةٌ مُهِمَّةٌ مِنْ اَمْرِ دَارِهِ فَلْيَكْتُبْ فِی رُقْعَةٍ بَیْضَاءَ وَ یَطْرَحْهَا فِی الْمَآءِ الْجَارِیِ عِنْدَ طُلُوعِ الشَّمْسِ - دعا (کفعمی، ۱۴۰۵: ۴۰۳)؛ کسی که رزقش کم گشته و تامین زندگی اش سخت باشد، یا حاجت بزرگی در امر دنیا و آخرتش دارد؛ پس از نوشتن دعا بر کاغذ سفید، زمان طلوع خورشید آن را در آب جاری رها کند.

د) وَ مِنْهَا عَنْهُ (امام صادق علیه السلام) اَيْضًا:

تَكْتُبُ فِی بَیْاضٍ بَعْدَ الْبَسْمَلَةِ - دعا - ثُمَّ تَطْوِي الرُّقْعَةَ وَ تَجْعَلُهَا فِی بُدْقَةٍ طَیْنٍ ثُمَّ اَطْرَحُهَا فِی مَآءٍ جَارٍ اَوْ فِی بَئْرِ فَإِنَّهُ سُبْحَانَهُ یَفْرَجُ عَنْكَ وَ مَثَلُ حَوْلِ الْوَرْقَةِ هَذَا الْمِثَالُ وَ هُوَ:  (همان)؛ امام صادق علیه السلام فرمودند: بعد از نوشتن بسمله و دعا در ورقی سفید، آن را تا زده و در میان گل نهاده و به آب جاری یا چاه بینداز و خدای متعال مشکلات را برطرف خواهد کرد. در حاشیه کاغذ نیز شکل  را بکش.

ه) وَ مِنْهَا قِصَّةٌ مَرْوِیَّةٌ عَنِ الْهَادِیِ علیه السلام:

تَكْتُبُ لَیْلًا فِی ثَلَاثَةِ رِقَاعٍ وَ تُخْفِی فِی ثَلَاثَةِ اَمَاكِنَ: دعا (همان: ۴۰۴)؛ از امام هادی علیه السلام روایت شده است که فرمودند: شبانه سه نامه نوشته و آن‌ها را در سه مکان مختلف دفن کن.

علامه مجلسی این دستور را در جواب نامه‌ای دانسته است که یکی از یاران حضرت هادی علیه السلام

از زندان فرستاده و از رنج و آزار دشمنان شکایت کرده است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۹: ۲۵۴).

(و) الكتاب العتيق الغروي، يُروى عن عبد الله بن جعفر الحميري قال:

كُنْتُ عِنْدَ مَوْلَى أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْعَسْكَرِيِّ صَلَّواتُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِذْ وَرَدَتْ
إِلَيْهِ رُقْعَةٌ مِنَ الْحَبْسِ مِنْ بَعْضِ مَوَالِيهِ يَذْكُرُ فِيهَا ثِقَلَ الْحَدِيدِ وَ سَوْءَ الْحَالِ وَ
تَحَامَلَ السُّلْطَانَ وَ كَتَبَ إِلَيْهِ يَا عَبْدَ اللَّهِ... فَعَلَيْكَ بِالصَّبْرِ وَ اكْتُبْ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ
جَلَّ رُقْعَةً وَ أَنْفِذْهَا إِلَى مَشْهَدِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ صَلَّواتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ اِرْفَعْهَا عِنْدَهُ
إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ اذْفَعْهَا حَيْثُ لَأَ يَرَاكَ أَحَدٌ وَ اكْتُبْ فِي الرُّقْعَةِ - دعا (همان،
ج ۹۹: ۲۳۹)؛ عبدالله بن جعفر حمیری می گوید: نزد امام حسن عسکری علیه السلام بودم
که نامه‌ای از طرف یکی از شیعیان محبوس به دست ایشان رسید. این فرد از
سنگینی زنجیرها و سختی زندان شکوه نموده بود. امام علیه السلام در پاسخ او چنین
نوشت: ای بنده خدا!... صبور باش و خطاب به خدای متعال، نامه‌ای بنویس و
آن را به صورت مخفیانه و دور از چشم دیگران در ضریح امام حسین علیه السلام قرار
بده و در نامه این چنین بنویس: دعا.

نکته

از عبارت کتاب مفتاح الجنان که در پایان کتاب زاد المعاد علامه مجلسی چاپ گردیده
است، روایتی از حضرت مهدی علیه السلام در مورد عریضه وجود دارد که متن آن چنین است:

وَ فِي كِتَابِ أَنيسِ الصَّالِحِينَ^۱ وَ بَعْدَ ذِكْرِ هَذِهِ الْعَرِيضَةِ لِصَاحِبِ الْعَصْرِ علیه السلام، أَنَّهُ عَنِ
صَاحِبِ الْأَمْرِ علیه السلام مَذْكُورٌ فِي بَعْضِ النُّسخِ أَنَّ يَكْتُبُ عَرِيضَةً أُخْرَى لِلْحَقِّ سُبْحَانَهُ وَ
يُعْطِرُهَا وَ يَشُدُّهَا بِحَبْلِ بِأِحْكَامٍ، وَ يَضَعُهَا وَسَطَ عَرِيضَةِ صَاحِبِ الْأَمْرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ
يُعْطِيهَا بِالطَّيْنِ الطَّاهِرِ وَ يُلقِيهَا فِي الْمَاءِ الْجَارِي وَ هِيَ: ... الخ (ناشناس، ۱۴۲۳: ۵۸۰).

اما پس از مراجعه به نسخه‌ای از کتاب انیس الصالحین، این معنا برداشت نشده و نویسنده

۱. این کتاب از تالیفات سید امیر معز الدین محمد بن ابی الحسن موسوی و به زبان فارسی می
باشد (الذریعة، ج ۲: ص ۴۵۹).

۲. آقا بزرگ طهرانی معتقد است نویسنده کتاب مفتاح الجنان مجهول بوده و برخی از مطالب
آن غیر مستند و برخی دیگر قطعاً بدون دلیل می باشد. محدث نوری نیز این کتاب را نقد
کرده است (الذریعة، ج ۲۱: ۳۲۴).

کتاب مذکور، تنها به این مطلب پرداخته است که برای عریضه نویسی می‌توان به این روش و عبارتها تمسک جست.^۱ لذا این عبارت را نمی‌توان جزء روایات محسوب کرد.

بررسی روایات

الف) منابع و سند

ضعف‌هایی مانند عدم نقل این روایات در منابع کهن و معتبر شیعه، به گونه‌ای که قدیمی‌ترین نقل متعلق به اربلی (۶۹۲ هـ ق) بوده و عموم نقل‌های دیگر از کفعمی (۹۰۵ هـ ق) می‌باشد و نیز عدم سند متصل به معصوم علیه السلام؛ اعتبار آنها را از بین می‌برد و نمی‌توان به این روایات تمسک نمود و سخنی را به شرع نسبت داد.

افزون بر اشکالات مذکور، علامه مجلسی دو روایت را از کتابی با عنوان (عتیق غروی) ذکر کرده است که این کتاب از منابع تازه یافت ایشان بوده و امروز نیز در اختیار ما قرار ندارد. همچنین از نویسندگان و اعتبار این نسخه اطلاعی نداشته و منابع اخذ مطلب در این کتاب را نمی‌شناسیم.

ب) دلالت روایات

فارغ از متن دعاهایی که در روایات مذکور اشاره شده است، محتوای روایتها به نکات زیر اشاره کرده‌اند:

۱. نوشتن عریضه در زمان مشکلات مهم، طلب وسعت رزق، سهل شدن زندگی و آزادی از زندان می‌باشد؛

۲. دعایی از طرف معصوم آموزش داده شده است که آن را در رقعہ بنویسند؛

۳. آنچه میان تمامی روایات مشترک است، اصل رقعہ نویسی است و در دیگر شرایط

۱. نسخه خطی این کتاب در سایت دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی قابل دسترسی است؛ به آدرس:

<http://manuscript.um.ac.ir/moreinfo-1782-pg-145.html>

اختلاف داشته و در صورت عمل به تمام شرایط، این‌گونه باید صورت پذیرد:
 در روز پنج شنبه روزه گرفته شود، روز جمعه دو نامه یکی خطاب به خدای متعال و دیگری خطاب به امام مهدی علیه السلام نوشته شود؛ سپس آن‌ها را معطر کرده و نامه خطاب به خدای متعال را درون نامه امام قرار داده و در زمان طلوع خورشید و پس از قرار دادن هردو نامه در گل، مخفیانه وارد برکه یا نهر آب شده و رو به قبله بایستد. آن‌گاه پس از خواندن دعا و توسل، رقعہ را در آب بیندازد.

اگر چه با توجه به روایت منقول از امام هادی علیه السلام باید سه رقعہ نوشته شود و شبانه در سه مکان دفن گردد و یا در روایت نقل شده از امام عسکری علیه السلام، این رقعہ در ضریح امام حسین علیه السلام انداخته می‌شود.

شاید بتوان از سکوت برخی از روایات و قید زدن برخی روایات دیگر، شرایطی الزامی نیز برداشت نمود. با این فرض، قرار گرفتن نامه در ضریح اهل بیت علیهم السلام یا آب (چه جاری، مانند نهر و چه ثابت، مانند چاه)، باید به صورت مخفیانه و دور از چشم دیگران صورت پذیرد و ارسال علنی نامه خلاف دستور روایات است.

۱.۱.۲. گزارش های تاریخی

الف) تنوخی (۳۸۴ هـ ق) ^۱ از کتاب الوزراء، محمد بن عبدوس (۳۳۱ هـ ق)، داستانی را

۱. ابوعلی مُحَسَّن بن علی بن محمد بن ابی الفهم، محدث و ادیب و شاعر. وی در (۳۲۷ هـ ق) در بصره به دنیا آمد. به سال (۳۴۶ هـ ق) در ضرابخانه ای در شهر اهواز (سوق الاهواز) به کار واری مسکوکات اشتغال داشت. در سال (۳۴۹ هـ ق) ابوسائب عتبه بن عبیدالله (قاضی القضاة همدان، متوفای ۳۵۰ هـ ق) و سپس مطیع لله، او را به منصب قضا در برخی شهرهای خوزستان گماردند. این توجه درباریان؛ به ویژه عضدالدوله دیلمی (متوفای ۳۷۲ هـ ق)، تا (۳۷۱ هـ ق) ادامه داشت و پس از آن تنوخی در خانه تحت نظر بود و در شرایط سختی زندگی می کرد. او نیز همچون پدرش به اعتزال گرایش داشت که در کتابش *نشوار المَحَاضِرَة*، مشهود است. نقل او مورد تأیید بود. وی در (۳۸۴ هـ ق) در بغداد درگذشت. یکی از کتاب‌های او، *الفرج بعدالشدّة* است که وی تألیف آن را در (۳۷۳ هـ ق) آغاز کرد. (الأعلام، ج ۵: ۲۸۸؛ دانشنامه جهان اسلام، ج ۸: ۳۳۷ و دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۶: ۲۵۰).

نقل می‌کند که بنا بر آن، ابو ایوب احمد بن شجاع به واسطه نوشتن رقعهای خطاب به خدای متعال و قرار دادن آن در محراب نمازش، از ظلم عبدالله بن محمد بن یزداد نجات می‌یابد (تنوخی، ۱۹۷۸، ج ۱: ۲۳۷).

ب) تنوخی مشاهده عینی خود را در امر عریضه نویسی خطاب به امام معصوم علیه السلام گزارشی دیگر ذکر کرده و می‌گوید:

محمد محمد بن العباس فسانجس، از افراد ظالمی بود که به زور اموال تنوخی و ابو نصر محمد بن محمد واسطی را از آن‌ها گرفته است که پس از شکایت نیز اموال آن‌ها پس داده نمی‌شود. محمد بن محمد واسطی نامه‌ای خطاب به امام کاظم علیه السلام نوشته و پس از توسل به دیگر ائمه علیهم السلام آن را به ضریح اویزان می‌کند.

تنوخی می‌گوید:

مدتی بعد به زیارت موسی بن جعفر علیه السلام رفتم؛ هنگام خواندن نماز، عریضه واسطی را دیدم. این مطلب مرا به خنده انداخت؛ چرا که معتقد بودم او برای مردی که از دنیا رفته، نامه نگاری کرده است؛ اما پس از مدتی، به واسطه همان رقع اموالش را به او برگرداندند.

تنوخی در پایان چنین می‌گوید:

و صح لأبی النصر، بقصته ما لم یصح لی، و کانت محنته و محتى واحد، ففاز هو بتعجیل الفرج بها، من حیث لم یغلب علی ظنی أن أطلب الفرج منه (تنوخی، ۱۹۷۸، ج ۱: ۲۳۹)؛ مشکل ابونصر واسطی به واسطه آن عریضه حل شد و مشکل من باقی ماند؛ با این‌که رنج ما یکی بود. او نجات یافت، از راهی که گمان نمی‌کردم، نجاتی در آن باشد.

ج) تنوخی گزارشی دیگر از عریضه نویسی ابا القاسم السعدی بیان می‌کند که برای طلب حاجتی، عریضه نوشته و آن را در ضریح امام حسین علیه السلام قرار می‌دهد (همان، ج ۲: ۲۸۹).

د) گزارش دیگر تنوخی از عریضه نویسی احمد بن کشمرد می‌باشد (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲: ۴۹۵) که پس از دستگیری اش توسط قرامطه، با توسل به امیر المومنین علیه السلام و آموزش دیدن عریضه نویسی از ایشان در خواب، نجات می‌یابد. او این نکته را چنین نقل کرده است: فلما کان فی اللیل رأیت فی منامی كأن قائلاً یقول لی: اکتب فی رقعۃ:

بسم الله الرحمن الرحيم من العبد الذليل الى المولى الجليل، مسنى الضر و الخوف و أنت أرحم الراحمين فبحق محمد و آل محمد، اكشف همى و حزنى و فرج عنى. واطرح هذه الرقعة فى هذا النهر و أوماً إلى ساقيه كانت تجرى هناك فى المطبخ. فاتبتهت من نومى و كتبت الرقعة و طرحتها فى الساقية...؛ الخ (تنوخى، ۱۹۷۸، ج ۲: ۳۰۴)؛ در خواب شبانه دیدم که فردى مى گوید: نامه‌ای بدین صورت بنویس: دعا؛ و آن را در نهر آب بینداز و به ابراهى گوشه مطبخ اشاره نمود. از خواب برخاسته و رقعه را نوشتم و در آن ابراه انداختم.

این گزارش را، صهرشتى در (قبس المصباح)^۱ به تفصیل نقل کرده و به واسطه محمد بن حسین صقال، از ابو المفضل شیبانى چنین شنیده است که ابوالعباس کشمردى در پاسخ به درخواست ابو على محمد بن همام کاتب، واقعه را چنین نقل مى کند:

وَ قَدْ فَرَعْتُ مِنَ الصَّلَاةِ وَ أَنَا اسْتَعَيْتُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَ اتَّوَسَّلْتُ إِلَيْهِ بِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِذْ نَعَسْتُ فَحَمَلَنِي النَّوْمُ فَرَأَيْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فِي مَنْامِي ذَلِكَ فَقَالَ يَا ابْنَ كُشْمَرْدٍ قُلْتُ لَيْتَكَ يَا مَوْلَايَ فَقَالَ مَا لِي أُرَاكَ عَلَى هَذَا الْحَالِ...
اَكْتُبْ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ - دعا - وَ اجْعَلِ الرَّقْعَةَ فِي كُتْلَةِ طِينٍ وَ اقْرَأْ سُورَةَ يَسَّ وَ ارْمِ بِهَا فِي الْبَحْرِ فَقُلْتُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِنَّ الْبَحْرَ بَعِيدٌ مِنِّي وَ أَنَا مَحْبُوسٌ مَمْنُوعٌ مِنَ التَّصَرُّفِ فِيمَا أَلْتَمَسُ فَقَالَ ارْمِ بِهَا فِي الْبَيْتِ أَوْ فِيمَا دَنَا مِنْكَ مِنْ مَنَابِعِ الْمَاءِ... (مجلسى، ۱۴۰۳، ج ۹۱: ۲۴)؛ از نماز حاجت فارغ شده و با توسل به امیر المومنین عليه السلام به درگاه خدای متعال تضرع کردم. خواب مرا فرا گرفت و در خواب حضرت على عليه السلام را دیدم که فرمود: پسر کشمرد! چرا ناراحتی و در این حال دیده می شوی؟ [در پاسخ به درخواست و بیان حاجتم فرمود:] در نامه‌ای پس از بسم الله الرحمن الرحيم این دعا را بنویس: دعا؛ سپس نامه را در گل بگذار و سوره یس را بخوان و آن را در آب بینداز. عرض کردم یا امیر المومنین! دریا از من دور است و من به واسطه زندانی بودن نمی توانم نامه را در دریا بیندازم. فرمودند: آن

۱ «الصهرشتى» نام او، نظام الدين أبو الحسن سليمان بن الحسن الصهرشتى است. ایشان را از بزرگان شیعه و شاگرد شیخ طوسى و سید مرتضى دانسته اند (بحار الأنوار، المدخل: ۱۹۳ و الذریعة، ج ۲: ۱۸ و ج ۱۷: ۳۰).

را در چاه و یا هر آبراهی که یافتی، ببنداز.

این گزارش را ابوالفضل شیبانی در مجلس داود بن حمدان، در سال (۳۲۲ هـ ق) نقل و سعید بن بندقی نقل او را تایید کرده است (همان).

صهرشتی در انتهای نقل خود می‌گوید:

فَهَذِهِ الرَّقْعَةُ مَعْرُوفَةٌ بَيْنَ أَصْحَابِنَا يَعْمَلُونَ بِهَا وَيَعْوَلُونَ عَلَيْهَا فِي الْأُمُورِ الْعَظِيمَةِ وَالشَّدَائِدِ وَالرُّوَاةِ فِيهَا مُخْتَلِفَةٌ لَكِنِّي أُرَدِّتُ مَا هُوَ سَمَاعِي بِبَغْدَادَ (همان)؛ این نامه در میان شیعیان معروف بوده و در امور مهم و مشکلات بدان تمسک می‌کنند. راویان این قصه نیز متعدد بودند که من تنها آنچه را به طور مستقیم در بغداد شنیدم؛ نقل کردم.

همچنین این فرد، که خود از شاگردان شیخ طوسی بوده است، گزارشی دیگر از این واقعه

را به شیخ طوسی نسبت داده و می‌گوید:

وَ قَدْ ذَكَرَ شَيْخُنَا الْمَوْفِقُ أَبُو جَعْفَرِ الطُّوسِيِّ رَحِمَهُ اللَّهُ فِي كِتَابِ الْمِصْبَاحِ^۱ وَ مُخْتَصَرِ الْمِصْبَاحِ^۲ أَيْضاً أَنَّهَا تَكْتَبُ وَ تُطَوَّى ثُمَّ تُكْتَبُ رَقْعَةً أُخْرَى إِلَى صَاحِبِ الزَّمَانِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ تُجْعَلُ الرَّقْعَةُ الْكِشْمَرْدِيَّةُ فِي طَيِّ رَقْعَةِ الْإِمَامِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ تُجْعَلُ فِي الطَّيْنِ وَ تَرْمَى فِي الْبَحْرِ أَوْ الْبَيْتْرِ: دعا (همان، ج ۹۱: ۲۸)؛ شیخ موفق ما، ابو جعفر طوسی در کتاب مصباح و مختصر مصباح نیز چنین گفته است: علاوه بر عریضه کשמردیه، نامه‌ای دیگر خطاب به امام مهدی علیه السلام بنویس و نامه برای خدای متعال را در نامه امام علیه السلام قرار بده؛ سپس آن‌ها را در گل گذاشته و در آب انداز.

این گزارش را در هیچ یک از کتاب‌های شیخ طوسی و حتی کتاب (مصباح المتهدجد)

نیافتیم و چه بسا با توجه به این که این کتاب تلخیصی از (مصباح المتهدجد) شیخ طوسی می‌باشد (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۱۷: ۳۰)؛ نسخه‌ای غیر از نسخه موجود از این کتاب در

۱. مراد مصباح المتهدجد موجود می‌باشد که مصباح کبیر نیز گفته شده است.

۲. شیخ طوسی تلخیصی از روی مصباح المتهدجد داشته که به مصباح صغیر شناخته می‌شده است.

اختیار صهرشتی بوده و یا این که اضافاتی که توسط دیگر نسخا وارد شده؛ او را به اشتباه انداخته است.

ه) میان شیخ مفید و سید مرتضی مباحثه‌ای صورت گرفته و در یک مسئله علمی با یکدیگر اختلاف پیدا می‌کنند. این دو برای حل مشکل، به حضرت علی علیه السلام متوسل شده و در خواب یا در قالب پاسخ مکتوبی به نامه آن‌ها، جواب سوال ارائه می‌شود (نوری، ۱۴۲۹، ج ۲: ۱۲۸).

محدث نوری این گزارش را مستند ندانسته و تنها منبع ذکر آن را مقابس شیخ اسدالله کاظمی می‌داند (همان).

اولین منبعی که برای نقل این گزارش یافتیم، وحید بهبهانی می‌باشد (وحید بهبهانی، ۱۴۲۴، ج ۱: ۵۱). پس از ایشان، شاگردش، شیخ اسدالله کاظمی نقل کرده است (کاظمی، بی تا: ۶). وحید بهبهانی به این که پیام حضرت علی علیه السلام، در قالب پاسخ به عریضه بوده است، اشاره‌ای ندارد و کاظمی نیز برداشت خود را مبتنی بر این نکته مطرح می‌کند که آیا این پاسخ در خواب بوده است یا در بیداری؛ نه این که به صورت قطع از کسی شنیده و یا دیده و در مقام بیان گزارش باشد. در مجموع، این گزارش بدون سند بوده و محتوای آن بر اثبات عریضه نویسی در دوران غیبت کبرا دلالتی ندارد.

و) سید بن طاووس رحمته الله علیه می‌گوید: رشید ابوالعباس بن میمون واسطی، قضیه‌ای در مسیر سامرا برای من نقل کرد و گفت:

زمانی جدّ من، شیخ ورام بن ابی فراس به خاطر ناراحتی که از مغازی پیدا کرده بود، از حله به کاظمین رفت و روزی که من به قصد زیارت سامرا حرکت کردم و در کاظمین ایشان را دیدم، هوا بسیار سرد بود و من مقصد خود را برای شیخ گفتم. ایشان فرمود: می‌خواهم رقعۀ ای بفرستم که آن را همراه خود داشته باشی. وقتی به سرداب مقدس رسیدی و وارد آن جا شدی، آخرین نفری باش که خارج می‌شود. همان وقت نامه را در سرداب بگذار و بیرون بیا. صبح به آن جا برو؛ اگر رقعۀ را در جای خود ندیدی، به احدی چیزی نگو! ابوالعباس واسطی می‌گوید: من این دستورات را انجام دادم؛ صبح نیز رقعۀ را نیافتم و به طرف منزل

برگشتم. شیخ، پیش از رسیدن من با میل خود به حله برگشته بود. بعداً در موسم زیارت او را در حله ملاقات کردم و فرمود: آن حاجت را به من مرحمت کردند. سپس ابوالعباس گفت: این حدیث را بعد از فوت شیخ تا به حال به احدی نگفته بودم (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۲: ۵۴؛ نهانندی، ۱۳۸۶، ج ۶: ۷۶۱).

علامه مجلسی این مطلب را از فرج المهموم سید بن طاوس نقل می‌کند؛ اما این مطلب در کتاب مذکور و دیگر کتاب‌های سید یافت نشد و منبع سخن علامه مجلسی و دیگر افرادی که از ایشان پیروی کرده‌اند؛ مشخص نیست.

(ز) محدث نوری داستان عریضه نویسی سید محمد را ذکر کرده و این فرد در هنگام عریضه نویسی به آنچه از اهل بیت علیهم‌السلام وارد شده، عمل کرده است (نوری، ۱۳۸۶، ج ۲: ۴۹۷). (ح) شاید مهم‌ترین این گزارش‌ها، داستان عریضه نویسی آیت الله گلپایگانی رحمته‌الله باشد که ایشان دو بار به این امر اقدام کرده‌اند^۱ (قاضی زاهدی، ۱۳۷۹، ج ۲: ۱۳۶).

بررسی گزارش‌های تاریخی

آنچه از مجموع حکایت‌ها به دست می‌آید، عریضه‌نویسی در میان تعدادی از شیعیان است. صاحب مکیال المکارم نیز این نوع توسل و پاسخگویی امام مهدی علیه‌السلام را از جمله معجزات حضرت شمارش نموده و آن را مجرب می‌داند (موسوی اصفهانی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۸۵). صاحب کتاب التحفة الرضویة نیز به عریضه نویسی علامه امینی اشاره‌ای داشته و بیان علامه امینی در مورد مجرب بودن این امر را تذکر می‌دهد (مجتهدی سیستانی، ۱۳۹۰: ۴۴۷).

اما این گزارش‌ها را نمی‌توان به عنوان سیره متشرعه تلقی و از آن‌ها به عنوان دلیل استفاده کرد. سیره متشرعه نیز پس از عمل عموم مسلمانان یا شیعیان، مطرح شده و بر دو گونه است: سیره‌ای که می‌دانیم در عصر معصوم علیه‌السلام جریان داشته، به گونه‌ای که معصوم علیه‌السلام نیز بدان عمل یا آن را تقریر کرده است، و سیره‌ای که جریان آن در زمان معصوم علیه‌السلام احراز

۱. برای مطالعه وقایع بیش‌تر در زمان معاصر (ر.ک: همان، ج ۱: ۲۳۸-۲۲۹؛ نوری، ۱۳۸۶، ج ۲: ۴۹۲؛ نهانندی، ۱۳۸۶، ج ۶: ۷۹۵).

نشده یا عدم جریان آن احراز شده است که در فرض اول حجت بوده و در فرض دوم حجیت نداشته و دلیل محسوب نمی گردد (صدر، ۱۴۱۸، ج ۱: ۲۸۶؛ مظفر، ۱۳۷۵، ج ۲: ۳۷۴). موضوع مورد بحث ما نیز خصوصیات ذکر شده شامل عمل عموم متشرعه و اتصال به دوران معصوم را ندارد. لذا استدلال به سیره جهت اعتبار عریضه نویسی و عملی مورد استناد به شرع، امکان پذیر نمی باشد.

۱.۱.۳. دستورات برخی از کتاب‌های دعا

در این قسمت به گزارش هایی دست یافته ایم که تجربه فردی نبوده و از معصوم نیز نقلی صورت نگرفته است؛ لکن منابع دعایی این عمل را راهی برای حل مشکل بیان کرده‌اند.

الف) محدث نوری ادعا کرده است که نسخه‌ای از نامه نویسی به امام عصر علیه السلام نقل شده که حتی در کتاب بحار الانوار بدان اشاره نگردیده و بسیار کم استنساخ شده و سپس آن را بدین صورت نقل کرده است:

فاضل متبحر، محمد بن محمد الطیب، از علمای دولت صفویه در کتاب انیس العابدین نقل کرده از کتاب سعادات به این عبارت: دعا و سپس آورده است که این را در گِل پاکی بگذار و در آب جاری یا چاهی بینداز. (نوری، ۱۳۸۶، ج ۲: ۴۹۵).

ب) کفعمی دعایی را ذکر می‌کند که باید آن را در نامه‌ای نوشت و پس از پيچاندنش در گل و معطر نمودن آن، در ضریح یکی از اهل بیت علیهم السلام یا در آب انداخت. همچنین بیان می‌کند که قبل از انداختن این نامه، یکی از نواب اربعه را صدا زنید و او را واسطه قرار دهید. (کفعمی، ۱۴۰۵: ۴۰۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۰: ۹۱).

ج). الکتاب العتیق الغروی: نُسَخَةُ رُقْعَةٍ تُكْتَبُ وَ يُوجَّهُ بِهَا إِلَى مَشْهَدِ مَوْلَانَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ أَفْضَلُ السَّلَامِ: دعا (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۹: ۲۳۷).

د) دعایی دیگر در کتاب عتیق غروی نقل شده است مبنی بر این که فرد دارای حاجت، بعد از نماز شب آن را بخواند و همراه آن رقعته‌ای بنویسد. بعد از نماز و دعای مجدد، رقعته را با

دست راست بالا گرفته و دست چپ را بر کمر بگذارد و به همین نحو تضرع خود را ادامه دهد و در نهایت، نامه خود را در آب جاری اندازد (همان: ۲۴۱).

ه) در کتاب مکارم الاخلاق توصیه شده است بر رقعهای که حاجت را بر آن می‌نویسی، این دعا را چنان بنویس که هیچ سطر آن از حروف این دعا خالی نباشد:
(محمّدو علی و الخضر، ابو تراب و...) در این دعا، نام ائمه علیهم‌السلام را تا امام مهدی علیه‌السلام بنویس و از خدای متعال روا شدن حاجت خود را مسئلت کن (طبرسی، ۱۴۱۲: ۳۴۲).

جمع بندی دلایل عریضه نویسی

با توجه به مطالب گذشته نمی‌توان عریضه‌نویسی را به شارع مقدس نسبت داد و آن را از سنن و آداب اسلامی محسوب نمود، و در انجام دادن این عمل نمی‌توان نیت و قصد شرعی و استحباب فعل را مورد نظر قرار داد.

البته انجام دادن این عمل به قصد رجا و عدم انتساب به شرع، بلا اشکال است؛ ضمن این که نمی‌توان عنوان تشریح یا بدعت اصطلاحی را بر آن گذاشت؛ چرا که با توجه به مساوی بودن معنای تشریح و بدعت (سبزواری، بی تا، ج ۲: ۷۲؛ خمینی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۲۲۵) و این که از شرایط بدعت و تشریح، وارد کردن آنچه در دین نیست به نام شرع در آموزه های دین می‌باشد (محقق کلباسی، بی تا: ۹۴۷؛ انصاری، ۱۴۱۴: ۱۳۹؛ نراقی، ۱۳۷۵: ۳۲۰؛ سبحانی، ۱۴۱۵، ج ۴: ۵۸)؛ عریضه نویسی ذیل عنوان بدعت و تشریح قرار نمی‌گیرد. از این رو، هیچ یک از فقها و شیعیان این عمل را به قصد شرعی بودن و استحباب انجام نمی‌دهد. اضافه بر سخن مذکور، با توجه به نقل تعدادی روایت (اگر چه از نظر سندی اعتبار ندارند)، عدم علم و ظن معتبر در تعارض این فعل با مبانی دین و مذهب و تسامح علما در اخبار من بلغ (ر.ک: سبحانی، ۱۴۱۵، ج ۴: ۵۸) و از طرف دیگر، به کارگیری این عمل به عنوان روشی برای درمان در علم روان‌شناسی، نمی‌توان عریضه نویسی را بدعت در دین و یا عملی خرافی دانست؛ اما لازم است در انجام دادن این عمل، از هرگونه افراط و تفریط پرهیز کرد و آنچه را با روایات مطابق است ملاک عمل قرار داد تا این مطلب باعث وهن دین و مذهب نگردد.

۲. عریضه نویسی در مکان خاص

تحقیق در زمینه عریضه‌نویسی، نشان می‌دهد که برای انداختن عریضه در چاه جمکران دلیلی وجود ندارد. در وب سایت رسمی مسجد مقدس جمکران نیز چنین آمده است:
گفتنی است، همان‌طور که در تابلو نصب شده بالای چاه عریضه موجود در مسجد درج شده، چاه مذکور هیچ ویژگی خاصی ندارد
(http://www.jamkaran.info/page_View.aspx?id=120)

اما با توجه به این که عریضه را باید در آب روان یا چاه دارای آب انداخت، در گذشته، مردم برای انداختن عریضه، از آب انبار و چاه آبی که در محوطه جمکران بوده است، استفاده می‌کردند. یکی از افرادی که این آب انبار را مشاهده کرده است؛ می‌گوید:
آب انبار کوچکی در کنار مسجد بود که آبش چندان تعریف نداشت. کنار آن، حفره‌ای به نام چاه صاحب الزمان علیه السلام بود که روی آن را با پنجره‌ای آهنی گرفته بودند و از شکاف‌های آن، عریضه را به داخل چاه می‌انداختند (کریمی قمی، ۱۳۸۰: ۴۳).

همچنین محراب این مسجد مشرف به چاهی بوده است که به دلیل عملکرد افراطی برخی از مردم، از طرف آیت الله فیض قمی^۱ مسدود شده است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶، ج ۱۰: ۷۴۸).

چاه فعلی نیز بدون آب است و تنها نماد و شکلی از چاه می‌باشد و برخی از مردم عریضه‌های خود را در آن می‌اندازند. متأسفانه، افراط‌هایی در مورد آن صورت گرفته، به طوری که

۱. آیت الله حاج میرزا محمد فیض در سال (۱۲۹۳ هـ ق) در قم متولد شد. پس از گذراندن دروس سطح، در سال (۱۳۱۷ هـ ق) به نجف مشرف شد و در آنجا از درس صاحب عروة الوثقی و صاحب کفایة الاصول و شریعت اصفهانی و حاج میرزا حسین نوری بهره برد و سپس به سامرا رفت و از شمار شاگردان خوب میرزا محمد تقی شیرازی قرار گرفت در سال (۱۳۳۳ هـ ق) به قم بازگشت. در سال (۱۳۷۰ هـ ق) به رحمت الاهی واصل و در ایوان صحن کوچک حضرت معصومه علیه السلام به خاک سپرده شد (فصلنامه نور علم، ش ۱۸ ص ۱۰۰، "نجوم امت").

مخالفتان فرهنگ اصیل و غنی تشیع، آن را به عنوان حرب‌های علیه شیعه کار می‌برند.

۳. آیا توجه مردم به برخی از چاه‌ها آسیبی برای موعود باوری شیعی تلقی می‌گردد؟

واقعیت امر حاکی از این مطلب است که در میان شیعیان، کسی به قداست چاه جمکران قائل نبوده و هیچ یک از عالمان شیعی نیز این چاه را محل زندگی یا تردد حضرت مهدی علیه السلام نمی‌دانند. با توجه به مشاهدات، عموم زائران مسجد مقدس جمکران، این عمل را نوعی توسل به حضرت مهدی علیه السلام می‌دانند؛ اما متأسفانه رسانه‌های غربی به گونه‌ای تبلیغ می‌کنند که گویا تصور مردم بر آن است که این مکان، محل زندگی حضرت مهدی است و یا این که شیعیان به خواندن این نامه‌ها توسط حضرت مهدی علیه السلام قائل هستند. این گونه هجمه‌ها باعث گردید تا برخی از محققین به وجود چاه در مسجد مقدس جمکران خرده گرفته و آن را نقد کنند.^۱ در مقابل افرادی نیز به دفاع از باقی ماندن چاه در محوطه جمکران برخیزد. در ادامه به هردو دیدگاه اشاره می‌کنیم و به بررسی آن می‌پردازیم.

۳.۱. موافقان

نکته قابل توجه این که هیچ یک از موافقان حفظ چاه جمکران، اعتبار و یا تقدسی برای آن قائل نیست؛ اما انداختن عریضه در مکان فعلی را نوعی توسل دانسته و اعتقاد دارد که این چاه می‌تواند به عنوان سمبل و نمادی برای عریضه نویسی قلمداد شده؛ به تعبیر دیگر، راهی برای آرامش قلبی افراد شمرده شود.

یکی از موافقان این اقدام می‌گوید:

یکی از راه‌های توسل به امام زمان علیه السلام نوشتن عریضه برای آن حضرت است؛ توسلی که در منابع دینی، اصل آن از مستحبات است. عریضه‌نویسی از سیره‌های بزرگان بوده آثار و برکات شگفت‌انگیزی از آن ذکر شده است.
<http://jmcu.ir/1392/05/313726.html>

۱. مراد حجت الاسلام والمسلمین رسول جعفریان است. ر.ک:

۳.۲. مخالفان

مراد ما از مخالفان، افرادی است که با وجود چاه کنونی در مسجد و انداختن عریضه در آن، مخالف هستند. این دسته از افراد با اصل عریضه نویسی به عنوان یکی از راه‌های توسل به اهل بیت علیهم‌السلام مخالفتی ندارند.

خلاصه کلام این دسته و در واقع، استدلال آن‌ها این است که انداختن عریضه در چاه مذکور، اگرچه فی نفسه و بدون استناد آن به شرع، امری بلا اشکال بوده و می‌توانسته است وسیله‌ای برای توسل محسوب گردد؛ در زمان فعلی، راهی برای هجمه و ضربه زدن به فرهنگ مهدوی گردیده و همان‌گونه که در مسئله تنباکو، بنابر اقتضای زمانه، فتوای حرمت آن صادر گردید؛ امروز نیز نمی‌توان از وجود چاهی در مسجد جمکران حمایت کرد. در این جا لازم است به دستاویز شدن این چاه برای دشمنان اسلام و تخریب مهدویت دقت جدی نمود. به عنوان نمونه، فردی مانند گلن بک که از مجریان معروف فاکس نیوز بوده و در شبکه مذکور، برنامه‌های هفتگی برگزار می‌کند و نشریه تایمز در سال ۲۰۱۰، او را به عنوان یکی از ۱۰۰ نفر برگزیده معرفی کرده است (http://en.wikipedia.org/wiki/glenn_beck)؛ در یکی از برنامه‌های اختصاصی خود در مورد اسلام، انقلاب اسلامی و مهدویت، مواردی را مطرح کرده که از واقعیت ذهنی تمامی شیعیان کاملاً دور است.

این فرد، حضرت مهدی علیه‌السلام یا به تعبیر او امام دوازدهم را محور تفکر انقلاب ایران دانسته که قصد براندازی غرب و حمله به غرب را دارد. او به بینندگان خود چنین القا می‌کند که امام دوازدهم، در چاهی در مسجد جمکران که توسط محفظه‌ای سبز رنگ پوشیده شده است، قرار دارد یا این که مجری شبکه CBN با نام جورج توماس، در برنامه خبری این شبکه، در مورد سفر خود به شهر قم و دیدارش از جمکران و چاه واقع در آن گزارشی ارائه می‌دهد و در مورد این چاه چنین می‌گوید:

خبر نگار CBN فرصتی واقعی پیدا کرده تا از مردمی که در آن جا دعا می‌کنند، فیلم‌برداری کند. دهانه چاه با چیزی شبیه یک صندوق سبز رنگ پوشانده شده تا مانع پریدن مردم به درون آن شود. این جا غالباً به دعا کردن و بوسیدن این جعبه سپری می‌شود. افرادی که درخواستشان را بر روی قطعه کاغذ به مهدی

می‌نویسند و در نهایت آن را به درون چاه می‌اندازند. این مرد [منظور یکی از افرادی است که خبرنگار با او مصاحبه کرده] از مهدی می‌خواهد که گناهان او را ببخشد و خیلی‌ها شبیه این نوجوان، اعتقاد دارند که در واقع، مهدی در ته این چاه پنهان شده و در حال خواندن درخواست‌هاست.

[نوجوان در پاسخ به خبرنگار می‌گوید:] من با چراغ قوه‌ام درون چاه را نگاه می‌کنم به امید این که مهدی را ببینم؛ اما امشب موفق نشدم!

همچنین «اهریمن پرستان» عنوان نمایش گروه صوفی و دانشجو در لندن بود که روز شنبه ۱۳ نوامبر (۲۲ آبان ماه) از ساعت ۱۱ صبح تا چهار بعد از ظهر در میدان پر تردد ترافالگار در سه نوبت اجرا شد. در قسمتی از این نمایش خیابانی، از چاه جمکران رونمایی کرده است. یکی از برگزارکنندگان این مراسم می‌گوید:

چاهی هم وجود دارد که چاه جمکران است و مردم در آن عریضه می‌اندازند که این جزو خرافات است؛ یعنی امام زمان داخل این چاه است.

موارد بسیار دیگری نیز مانند نام بردن از چاه جمکران در موسیقی یکی از خوانندگان فراری از ایران و کاریکاتورهای سایت‌های سلطنت طلب و وهابی را می‌توان به موارد قبل اضافه کرد.

اضافه بر مطالب مذکور، یکی از راه‌های سلطه شیطان بر افراد، ایجاد انحراف تدریجی در جامعه می‌باشد که مصداق بارز آن، تغییر کارکرد پیکره تراشی (به منظور یادمان مردگان) به بت پرستی در نسل‌های بعد می‌باشد (صدوق، ۱۳۸۵، ج ۱: ۳)

این چاه و مانند آن نیز، می‌تواند راهی برای ایجاد انحراف فکری در آینده بشود؛ همان‌گونه که در حال حاضر، تعدادی اندک از افرادی که بالای چاه می‌آیند، به تقدس آن گمان داشته و آن را می‌بوسند!^۱ یا این که به درخت مجاور چاه برای استجاب دعایشان، تکه‌های پارچه می‌بندند. احساس خطر انحراف تدریجی، در سخنان یکی از مراجع تقلید و در موضوعی مشابه چنین آمده است:

۱. این امر در برخی از زائران چاه مشاهده شده است.

به عنوان مثال محراب را به ضریحمانندی تبدیل کرده بودند و مردم آن را می‌بوسیدند و عقب عقب می‌رفتند! من دیدم که ممکن است مشکلی ایجاد شود و فردا روزی ادعا کنند که آن‌جا ۷۰ نفر از اوتاد دفن شده‌اند که اقدام لازم انجام شد و با روش مسالمت آمیزی، محراب به شکل محراب درآمد (<http://qudsonline.ir/NSite/FullStory/News/?Id=172575>).

بررسی اقوال

اسلام دین عاری از خرافه و حرکت‌های غیر علمی است و به دستور خدای متعال نیز هر جا که عملی موجب وهن دین محسوب شود باید از آن پرهیز کرد. در آیه شریفه می‌فرماید:
 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَقُولُوا انظُرْنَا وَاسْمَعُوا وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ
 (بقره: ۱۰۴).

مفسران، شأن نزول آیه را استفاده یهودیان از عبارت (راعنا) برای تمسخر رسول خدا دانسته‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱: ۲۴۸) و در تبیین این آیه می‌گویند:

وقتی اسلام تا این اندازه اجازه نمی‌دهد بهانه به دست دشمنان داده شود، تکلیف مسلمانان در مسائل بزرگ‌تر و بزرگ‌تر روشن است. هم‌اکنون گاهی اعمالی از ما سر می‌زند که از سوی دشمنان داخلی، یا محافل بین‌المللی سبب تفسیرهای سوء و بهره‌گیری بلندگوهای تبلیغاتی آنان می‌شود.

وظیفه ما این است که از این کارها جدا بپرهیزیم و بی‌جهت به دست این مفسدان داخلی و خارجی بهانه ندهیم (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۳۸۵؛ رک: جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۶: ۳۸؛ قرائتی، ۱۳۷۹، ج ۱: ۱۷۴).

با توجه به سخنان مذکور، امروز نیز دشمنان اسلام و مهدویت، این چاه را برای حمله به فرهنگ غنی و اصیل مهدوی بهانه‌ای قرار داده‌اند و برای باقی ماندن این چاه که بر تقدس آن دلیلی وجود ندارد، ضرورتی دیده نمی‌شود و نمی‌توان اجازه داد که با تمسک به یک چاه! موعود باوری شیعی مورد حمله قرار گیرد. همچنین باید توجه کرد با توجه به روایات ذکر شده و سیره عملی تعدادی از شیعیان، عریضه را بایستی در آب روان و یا چاه دارای آب

انداخت و بنا بر برخی از روایات این عمل، مخفیانه دستور داده شده است که البته هیچ یک از این اعمال امروز در کنار چاه صورت نمی‌پذیرد.

در مورد دلایل برخی از موافقان نیز می‌توان چنین گفت:

اولاً: ادله ذکر شده به اصل عریضه نویسی مربوط می‌باشد و بر چاه جمکران در این مورد خصوصیتی ندارد.

ثانیاً: بنابر توضیحات ذکر شده، ممکن است امری در گذشته جایز بوده و عالمانی عریضه خود را در چاه جمکران انداخته باشند؛ اما با توجه به اقتضات زمانه و لزوم توجه به مکر دشمن، نمی‌توان عمل معمول گذشته را به زمان حاضر تسری داد و نمی‌توان موضوعی آسیب‌زا را به عنوان نماد توسل با عریضه قرار دهیم.

لذا با توجه به عدم دلیلی بر اعتبار و تقدس، اجرایی نشدن برخی از اعمال مندرج در روایات در ارسال عریضه، مانند مخفیانه بودن و در آب انداختن و تمسک دشمنان به این وسیله برای تخریب فرهنگ مهدویت؛ در باقی ماندن آن؛ ضرورتی ملاحظه نمی‌شود؛ به ویژه آن‌که وجود این چاه می‌تواند منشأ برخی کارهای افراطی بشود؛ مانند تقدیس چاه و بوسیدن آن و ایجاد چاه‌های دیگر.

نتیجه

عریضه نویسی یکی از راه‌های توسل است؛ اما باید توجه داشت که این مطلب دلیل بر اعتبار چاه‌هایی، مانند چاه مسجد مقدس جمکران نبوده و برای تقدس یک مکان به دلیل معتبر نیاز داریم. از طرف دیگر، چاه جمکران وسیله تهاجم مخالفان مهدویت گردیده و با نمایش توجه مردم به این چاه، شایعات خود را دامن می‌زنند. از این رو لازم است این مسئله به صورت صحیح تبیین گشته و علاقه مندان به امام مهدی عج را نسبت به عدم اعتبار این چاه و آسیب‌های آن مطلع نمود. از سوی دیگر، به این نکته باید توجه کرد که شرط رسیدن به خواسته‌ها از طریق عریضه‌نویسی، آن است که شرایط عمل، رعایت شود؛ مثل وجود متنی معتبر و منقول، انداختن آن متن در نهر یا جوی آب، آن هم مخفیانه و سایر شرایط که بدیهی

است در بسیاری از موارد شرایط لازم آن رعایت نمی‌شود. ضمن این که باید توجه کرد برخی اقدامات مبتنی بر اعتقادات دینی به مرور زمان چه بسا دستاویز برخی معاندان و معترضان قرار گیرد و وهن اسلام از آن صورت بگیرد. بی‌تردید عریضه‌نویسی در صورتی که شرایط آن رعایت نشود، از این جمله است و باید جداً مراقب بود تا این‌گونه کارها بهانه‌ای دست عوامل فرهنگی مستکبران ندهد.

منابع

۱. ابن منظور، محمد بن مكرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*، سوم، بيروت، دار صادر.
۲. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ق). *كشوف الغمة فی معرفة الائمة*، اول، تبریز، بنی هاشمی.
۳. انصاری، مرتضی (۱۴۱۴ق). *رسائل فقهیة*، اول، قم، مجمع الفكر الاسلامی.
۴. تنوخی، محسن بن علی (۱۹۷۸م). *الفرج بعد الشدة*، بیروت، دار صادر.
۵. جمعی از نویسندگان زیر نظر سید مصطفی میر سلیم (۱۳۸۶ش). *دانشنامه جهان اسلام*، سوم، تهران، بنیاد دایرة المعارف اسلامی.
۶. جمعی از نویسندگان زیر نظر کاظم موسوی بروجردی (۱۳۸۵ش). *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، دوم، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
۷. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸ش). *تسنیم*، هشتم، قم، اسراء.
۸. حرّ عاملی، محمد بن حسن (بی تا). *امل الامل*، محقق: سید احمد حسینی، بی تا.
۹. خان محمدی، کریم و انواری، محمدرضا (۱۳۹۱ش). *چاه عریضه جمکران از خرافه تا واقعیت* فصلنامه علمی پژوهشی شیعه شناسی، موسسه شیعه شناسی، شماره سی و هفتم، سال ۱۰.
۱۰. خمینی، روح الله (۱۴۱۵ق). *انوار الهدایة فی التعلیقة علی الکفایة*، دوم، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۱. الزرکلی، خیر الدین (۱۹۸۹م). *الأعلام قاموس تراجم لأشهر الرجال و النساء من العرب و المستعربین و المستشرقین*، هشتم، بیروت، دار العلم للملایین.
۱۲. سبحانی، جعفر (۱۴۱۵ق). *الرسائل الاربع*، اول، قم، موسسه امام صادق علیه السلام.
۱۳. سبزواری، عبدالاعلی (بی تا). *تهذیب الاصول*، دوم، قم، المنار.
۱۴. صدر، محمد باقر (۱۴۱۸ق). *دروس فی علم الاصول*، پنجم، قم، نشر اسلامی.
۱۵. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۸۵ش). *علل الشرایع*، اول، قم، چاپ داوری.
۱۶. طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*، پنجم، قم، انتشارات اسلامی جامعهی مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۷. طبرسی، حسن بن فضل (۱۴۱۲ق). *مکارم الاخلاق*، چهارم، قم، شریف رضی.
۱۸. طریحی، فخر الدین بن محمد (۱۳۷۵ش). *مجمع البحرین*، سوم، تهران، مرتضوی.
۱۹. طهرانی، آقا بزرگ، (۱۴۰۳ق). *الذریعة الی تصانیف الشیعة*، ج ۲۶، سوم، بیروت، دارالأضواء.
۲۰. قاضی زاهدی، احمد (۱۳۷۹ش). *شیفتگان حضرت مهدی علیه السلام*، هفتم، قم، حاذق.
۲۱. قرائتی، محسن (۱۳۷۹ش). *تفسیر نور*، پنجم، قم، در راه حق.
۲۲. کاظمی تستری، اسدالله (بی تا). *مقایس الأنوار و نفائس الأسرار فی أحكام النبی المختار و عترته الأطهار*، اول، قم، موسسه آل البيت علیهم السلام.

۲۳. کریمی قمی، حسین (۱۳۸۰ش). *آیینہ اسرار*، سوم، قم، انتشارات جمکران.
۲۴. کلباسی، محمد (بی تا). *رسائل*، اول، قم، بی نا.
۲۵. کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی (۱۴۰۵ق). *المصباح*، دوم، قم، دارالرضی.
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*، علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، ج ۸، چهارم، تهران، دارالکتب الإسلامیة.
۲۷. مجتهدی سیستانی، سید مرتضی (۱۳۹۰ش). *صحیفه مهدیه*، ترجمه: موسسه اسلامی ترجمه، چهاردهم، قم، الماس.
۲۸. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار*، ج ۱۱۱، دوم، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۲۹. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸ش). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، اول، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۰. مظفر، محمد رضا (۱۳۷۵ش). *اصول الفقه*، اول، قم، اسماعیلیان.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان (۱۳۷۴ش). *تفسیر نمونه*، اول، قم، دارالمتب الاسلامیة.
۳۲. موسوی اصفهانی، سید محمد تقی (۱۳۸۱ش). *مکیال المکارم*، مترجم: سید مهدی حائری، اول، قم، ایران نگین.
۳۳. ناشناس، *مفتاح الجنان* (حاشیه زاد المعاد علامه مجلسی)، (۱۴۲۳ق). اول، بیروت، اعلمی.
۳۴. نجاشی، احمد بن علی (۱۴۱۸ق). *رجال*، قم، ششم، قم، نشر اسلامی.
۳۵. نجوم امت، *فصلنامه نور علم*، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ش ۱۸، آبان ۱۳۶۵.
۳۶. نراقی، احمد (۱۳۷۵ش). *عوائد الایام فی بیان قواعد الاحکام*، اول، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۳۷. نوری (۱۴۲۹ق). *دارالسلام فیما يتعلق بالروایا و المنام*، اول، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی.
۳۸. نوری، میرزا حسین (۱۳۸۶ش). *نجم الثاقب*، دوم، قم، مسجد مقدس جمکران.
۳۹. نهاوندی، علی اکبر (۱۳۸۶ش). *العبقری الحسان*، اول، قم، مسجد جمکران.
۴۰. وحید بهبهانی، محمد باقر (۱۴۲۴ق). *مصاییح الانظار*، اول، قم، مؤسسه العلامة المجدد الوحید البهبهانی.

41. www.jmccu.ir

42. www.manuscript.um.ac.ir

43. www.qudsonline.ir

44. www.qudsonline.ir

45. www.ravangah.com

46. www.salamatnews.com

47. www.khabaronline.ir